

داده است. او در آثارش تا حد امکان کوشیده است تبیین‌های لیبرالی در شکل‌دهی به عدالت و سعادت را ناقص برشمرد و در مقابل، به شیوهٔ ایجابی دربارهٔ عدالت نظریه‌ای خاص ارائه داده که به ابعاد اجتماعی و کاملاً غیرفردگرایانه معطوف است.

رویکرد سندل تأکید بر ارزش‌های موجود در اجتماع است. او در صورت‌بندی عدالت، اجتماع را عنصری محوری می‌داند؛ بنابراین سندل برای معرفی طرح عدالت خود ابتدا به نظریه‌های رقیب اشاره می‌کند و پس از معرفی و نقادی آن‌ها رویکرد خود را تشریح می‌کند. سندل ابتدا سه‌گونه از نظریه‌های عدالت را شرح می‌دهد: اول، رویکرد سودمندگرایانه که معتقد است عدالت به معنای بیشینه کردن فایده یا رفاه است؛ یعنی بیشترین سود برای بیشترین افراد؛ دوم، رویکرد اختیارگرایانه که معتقد است عدالت محافظت از آزادی انتخاب است و این انتخاب‌های واقعی مردم است که در بازار آزاد انجام می‌شود؛ سوم، رویکرد برابری‌خواهی لیبرال که عدالت را به معنای انتخاب‌های فرضی مردم در وضع اولیه می‌داند. سندل با به چالش کشیدن هر سه دیدگاه این دیدگاه را مطرح می‌کند که عدالت شامل پرورش «فضیلت» (virtue) و ارتقای «خیر عمومی» (public good) است. موضع سندل به عدالت از این حیث موضعی ارسطویی است. او بر این باور است که بسیاری از استدلال‌های معاصر درباره عدالت معطوف به توزیع محصولات رفاهی در میان شهروندان است؛ اما اگر استدلال‌ها را به خوبی بررسی کنیم به پرسش مهم ارسطو بازمی‌گردیم که مردم به لحاظ اخلاقی شایستهٔ چه چیزی هستند و چرا؟ ملاحظه می‌کنیم که سخن مرکزی سندل مانند سخن مک‌این‌تایر این است که عدالت را باید در پیوند «امور جمعی» تجزیه و تحلیل کرد تا بشود به تبیین صحیحی از این مقوله در نظام اجتماعی دست یافت.

مایکل والنزو حوزه‌های متکثر عدالت

مایکل والنزو متفکری است که در آثاری چون «حوزه‌های عدالت» و «فره و نحیف» به مقولهٔ عدالت توجه نشان داده است. عدالت برای والنزو موضوعی بسیار جدی است تا جایی که با رویکرد عدالت‌طلبانه خود آموزهٔ «جنگ عادلانه» (just war) در دورهٔ قرون وسطا را نیز در دوران معاصر احیا کرده است. او در پرتو این آموزه می‌کوشد به ارزیابی دخالت نظامی آمریکا در کره و ویتنام بپردازد تا عادلانه یا غیرعادلانه بودن آن را نشان دهد. والنزو در به‌کارگیری ایده‌های جماعت‌گرایان چپ بر ضد سنت بی‌طرفی لیبرال در نظریهٔ سیاسی معاصر چهره‌ای شاخص است. علایق فلسفی والنزو گسترده و وسیع است؛ اما می‌توان همه آن‌ها را پیرامون محور عدالت جمع‌بندی کرد. اگر تحلیل ویلیام گالستون را به عنوان یکی از نوجماعت‌گرایان معاصر